



خبرگزاری میزان

نمایی از فیلم «تنگه ابوقریب» |

در گفت‌وگوی «ایران» با ناصر شفق از مدیران پرسابقه فرهنگی مطرح شد

# سینمای دفاع مقدس نباید مصادره به مطلوب شود

اسماعیل علوی – مرجان قندی

سینمای دفاع مقدس، عنوان گونه‌ای از هنر هفتم است که در آغاز دهه ۶۰ شکل گرفت و با تولید آثاری درخشان، خیلی زود توانست جایگاه شایسته‌ای در سینمای ملی کشور به‌دست آورد. با پایان یافتن جنگ تحمیلی و بازگشت رزمندگان از جبهه‌های جنگ، این‌گونه سینمایی وارد مرحله تازه‌ای از حیات هنری خود شده و با شتابی چشمگیر به سینمایی پر مخاطب مبدل شد، تا آن‌جا که برخی تولیدات آن توانست بیش از ۷ میلیون نفر از جمعیت ۵۰ میلیونی کشور در آن زمان را به سالن‌های نمایش بکشاند و سینمای ارزشی – اعتراضی را نمایندگی کند. درخشش ستاره بخت این ژانر بر طرقدار اما در سپهر سینمای کشور دیری نپایید و به رغم کارنامه‌ای قابل قبول و کوله‌باری از تجربه به تدریج روبه افول نهاد. ارزیابی علت و چرایی این اتفاق، موضوع گفت‌وگوی «ایران» با ناصر شفق رئیس اسبق انجمن سینمای دفاع مقدس و از مدیران با سابقه در این عرصه است که پیش رویتان قرار دارد.

■ طی ۴ دهه گذشته فیلم‌های کوتاه و بلند داستانی و مستند، همچنین سریال‌های تلویزیونی متعددی با درونمایه فرهنگ ایثار و شهادت به روایت تاریخ و تزویج فرهنگ دفاع هشت ساله پرداخته‌اند که به مجموعه این تلاش‌ها، سینمای دفاع مقدس اطلاق می‌شود. تلاشی که البته همه به یک اندازه موفق نبوده‌اند. ارزیابی شما به‌عنوان کسی که از سال ۶۱ در سینمای دفاع مقدس نقش مدیریتی و تصمیم‌گیری، حتی تصمیم‌سازی داشته‌از وضعیت امروز سینمای دفاع مقدس چیست؟

در ابتدا از روزنامه‌ه وزیر «ایران» برای فرصتی که فراهم آورد تا درخصوص سینمای دفاع مقدس گفت‌وگویی جدی دریگیرد تشکر می‌کنم. اما در پاسخ سؤال شما باید به صراحت بگویم، این روزها حال سینمای دفاع مقدس خوب نیست، منشأ آن هم عدم سازماندهی منسجم فرهنگی است. در

اوایل وقتی اولین واحد ضبط وقایع جنگ که سینمای دفاع مقدس برپایه آن استوار است، شکل گرفت، با آنکه امکانات بسیار ابتدایی بود، اما انگیزه، خلوص نیت و هدف‌گذاری فرهنگی، منجر به ثبت صحنه‌هایی منحصر به فرد از عملیات‌ها و حال و هوای رزمندگان در آن روزها شد. اگرچه شهدای بسیاری نیز تقدیم شد، اما تصاویری که صدا و سیما در طول این چهل ساله پخش کرده و می‌کند حاصل زحمات و فداکاری افراد و مجموعه‌هایی، از جمله گروه چهل شاهد است که فکر می‌کنم از جمع آنان سه، چهار نفری بیشتر باقی نمانده باشند و بقیه در راه آرمان‌های خود جان باخته‌اند. فعالیت جمع مستندسازان تاریخ جنگ از کردستان آغاز شد و با شروع جنگ تحمیلی به جنوب رفته و در طول ۱۸ سال دفاع مقدس، همه جا اما این سینما در مسیر خود دچار آسیب‌هایی رزمندگان را همراهی کرد.د. اوایل، کار ثبت تصاویر با مقاومت فرماندهان و همین‌طور نمایندگی نمی‌کند، چرا که در حصار استفاده

هر کجا که آزاداندیشی و فداکاری در راه آن وجود داشته باشد، فرهنگ دفاع مقدس هم حضور دارد. از این جهت این ظرفیت همواره فراهم است که نسبت میان فرهنگ دفاع مقدس و سینمای دفاع مقدس برقرار شود. اما این سینما در مسیر خود دچار آسیب‌هایی رزمندگان را همراهی کرد.د. اوایل، کار ثبت تصاویر با مقاومت فرماندهان و همین‌طور نمایندگی نمی‌کند، چرا که در حصار استفاده

جناحی گرفتار آمده است. ما در اساننامه انجمن سینمای دفاع مقدس بند ۶ آن داریم که هرکس با هر دین و آیین و با هر زبان و هر اندیشه‌ای می‌تواند عضو انجمن سینمای دفاع مقدس باشد و به کار تولید بپردازد. این نگاه آزاداندیشانه، برگرفته از حریت نهفته در فرهنگ دفاع مقدس می‌تواند سلیمانی به وضوح شاهد بدهیم.

■ آیا هنوز این نسبت در سینمای دفاع مقدس برقرار است؟

هر کجا که آزاداندیشی و فداکاری در راه آن وجود داشته باشد، فرهنگ دفاع مقدس هم حضور دارد. از این جهت این ظرفیت همواره فراهم است که نسبت میان فرهنگ دفاع مقدس و سینمای دفاع مقدس برقرار شود. اما این سینما در مسیر خود دچار آسیب‌هایی رزمندگان را همراهی کرد.د. اوایل، کار ثبت تصاویر با مقاومت فرماندهان و همین‌طور نمایندگی نمی‌کند، چرا که در حصار استفاده

رسیده‌اند. خود من ۷۳ قطعه عکس و ۲۸ نوار کاست شهید باقری را به ستاد جشنواره شهدای آذربایجان دادم که معلوم نیست چه رسووشی پیدا کرده‌اند. نمونه این بی‌اعتنایی‌ها موجب شده تا سینمای دفاع مقدس آسیب‌بیند.

■ آیا دلایل دیگری می‌توان برای افول سینمای دفاع مقدس برشمرد؟

اولین فیلم‌هایی که با عنوان و موضوع دفاع مقدس اکران شد با حمایت سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی بود. از مقطعی که این حمایت‌ها کم‌رنگ یا گزینشی شد، فیلم دفاع مقدس هم با لطمه کمی و کیفی مواجه گردید. چرا که سینمای دفاع مقدس، هنوز حجم قابل توجهی از فیلم‌های مستند و خاطرات ناب آن دوره که از ارزش فرهنگی برخوردار می‌باشد این طرف و آن طرف یا از بین رفته یا در حال از بین رفتن است و در راستای به رخ کشیدن اقتدار و تقویت بنیه دفاعی در کلیه کشورها، حتی آمریکا که

دارای اقتصاد خصوصی است امری معمول و متداول است. به قول استاد شهریار؛ با باده نشینی نمی‌شود کاخ پاسارگاد ساخت. بدون حمایت دولت صفویه نمی‌شودمسجد شیخ لطف‌الله وسایر بناهای باشکوه را ساخت. همچنین بدون قاجار به کمال الملک به وجود نمی‌آید. آفت دیگری که به افول سینمای جنگ انجامیده آن است که در دهه‌های اخیر برخی از ارگان‌ها خود اقدام به تولید فیلم‌های دفاع مقدسی می‌کنند که به دلیل عدم رقابت با سایر ژانرهای سینمایی، به سینمای دفاع مقدس آسیب می‌رسانند و حاصل کارشان، فاصله گرفتن سینمای دفاع مقدس از سینمای ملی است. موضوع دیگر اینکه صنعت سینما با چرخه اقتصادی حداقل ۲ الی ۳ هزار سالن نمایش به گردش درمی‌آید. به این معنا که شما بایستی این تعداد سالن سینما در اختیار داشته باشی تا بتوانی کار سینما انجام دهی و موج آفرین و تأثیرگذار باشی. موضوع دیگر که از اهمیت زیادی برخوردار است آنکه سینمای دفاع مقدس بایستی جلوه و منظر بلندترین سجایای بشری باشد که توسط رزمندگان برای نسل‌های بعدی به‌عنوان میراث بران شرف و شهادت ودیعه گذاشته شده است. اما متأسفانه میراث خواران شرف و شهادت، سینمای دفاع مقدس را در تیول خود گرفته‌اند و ارزش‌های انسانی، آزادیخواهی و حریت آن را کم‌رنگ و کم‌

جلوه کرده‌اند. جوهره سینمای دفاع مقدس ارزش‌های انسانی، اخلاق و شرف و مردانگی است. مادامی که سینمای دفاع مقدس فاقد چنین ارزش‌هایی باشد در ذائقه تماشاگر جای نمی‌گیرد. سینمای دفاع مقدس تا این آفت‌ها را از خود دور نکند نمی‌تواند شانه به شانه سینمای ملی بايستودوموج آفرین باشد. در دهه ۶۰ و ۷۰ این مسائل نبود و مخالف و موافق برای ما فرقی در موردشان مطرح نبود. زمانی آقای کیمیایی از فیلمسازان مشهور سینما آمد و گفت من می‌خواهم یک فیلم ضد جنگ بسازم، شما اجازه می‌دهید! من گفتم خودم تهیه‌کننده‌ات می‌شوم. ما هم حمایت کردیم تا ایشان فیلم «قریاد» را ساخت. ما همه در یک کشور زندگی می‌کنیم، عقیده موافق و مخالف را باید با هم داشته باشیم و نمی‌توانیم به یک گروه فکری خاص تکیه کنیم.سینمای دفاع مقدس متعلق به جریان خاصی نیست. همان‌طور که در تشییع پیکر قاسم سلیمانی که چهره‌ای ملی بود و متعلق به قشر و جناح خاصی نبود، همه آمدند. سینمای دفاع مقدس هم نباید مصادره به مطلوب شود. متأسفانه در آن را دارد تا مایه افتخار سینمای ملی باشد. چون همه مؤلفه‌های صنعت سینما را داراست، به شرط آنکه مصادره به مطلوب و فرمایشی نشود.

■ ماهمیشه شما دیک فیلم شاخص دفاع مقدسی در جشنواره فیلم بودیم اما چنداناسالی است که این اتفاق تکرار نشده است، چرا؟

عرصه بر سینمای جنگ تنگ شده، همان‌طور که عرصه بر سینمای تفکر تنگ شده است. در این فکر می‌کنم سینما هر چقدر فرمایشی‌تر شود و از بالا به پایین دستور داده شود که چه

■ ماهمیشه شما دیک فیلم شاخص دفاع مقدسی در جشنواره فیلم بودیم اما چنداناسالی است که این اتفاق تکرار نشده است، چرا؟

عرصه بر سینمای جنگ تنگ شده، همان‌طور که عرصه بر سینمای تفکر تنگ شده است. در این فکر می‌کنم سینما هر چقدر فرمایشی‌تر شود و از بالا به پایین دستور داده شود که چه

فیلمی ساخته شود همین خواهد بود. از فرمایشی‌سازی، فیلم دلی در نمی‌آید. یک کارمند حق ندارد به یک هنرمند بگوید چی بساز، چی نساز! هنرمند با دل و جوشش خودش باید کاری را انجام دهد. مگر می‌شود شعر را ساخت، انبوه‌سازی که نیست، بتوان شعر انبوه تولید کرد! باید حسن آن وجود داشته باشد. من اعتقاد دارم ولو یک فیلم خوب هم ساخته شود به رغم آنکه می‌گویند با یک گل بهار نمی‌شود، ولی هر گلی نشانه بهار است و آمدن بهار را نوید می‌دهد و یک فیلم خوب می‌تواند اثر خودش را داشته باشد. ولی متأسفانه فیلمسازی جناحی شده، یک جناح آن طرف، یک جناح هم این طرف هستند. یک جریان این طرف از فیلم دفاع مقدس کاسی می‌کند، یک جریان هم آن طرف برای جشنواره‌های خارجی فیلم می‌سازد و کاسی می‌کند. در این میان آن چیزی که لطمه می‌بیند، هنرمند و سینمای ملی است.

■ ادبیات چه جایگاهی در بالا بردن سطح تولید فیلم جنگی دارد؟

ادبیات فاخر لازم‌ه هر نوع سینمایی است. ادبیات دفاع مقدس از غنای چشمگیری برخوردار است که می‌تواند پشتوانه سینمای دفاع مقدس باشد و به آن جان تازه‌ای بدهد. چرا شما سینمای غرب را نمی‌توانید حتی یک دقیقه‌قا را از دست بدهید، برای اینکه اگر یک دقیقه را از دست بدهید قصه را از دست داده‌اید. این بیانگر اهمیت متن و قصه فیلم است. امروزه شما اگر بخواهید فیلم هالیوودی هم بسازید باید از یک قلم و ادبیات خوب بهره ببرید. این است که ادبیات از ارزش و جایگاه ویژه‌ای در تولید یک فیلم دفاع مقدسی برخوردار است. سینمای واقعی آن سینمایی است که بالای سی میلیارد بفروشد. اگر سینمای دفاع مقدس با ادبیات دفاع مقدس پیوند نخورد این اتفاق نمی‌تواند بیفتد. یک فیلمساز تنها با داشته‌های خودش نمی‌تواند فیلمی درخشان بسازد. فیلم خوب احتیاج به تفکر و اندیشه دارد.

■ چشم‌انداز سینمای دفاع مقدس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با این وضعیت من چشم‌اندازی برای سینمای دفاع مقدس نمی‌بینم. مگر اینکه نسل جوان خودش همت کند و سینمای نوینی به‌وجود آورد که در آن آزادی، حریت و سایر ارزش‌های انسانی اصل باشد. باقری‌ها خود را نوکر مردم می‌دانستند، با هر دین و آیینی. سینمای دفاع مقدس، زمانی سینمای دفاع مقدس است که سینمای دلی باشد. چون در سالگرد پیروزی انقلاب هستیم یادآور می‌شوم انقلاب متعلق به همه مردم است و امیدوارم که فضای کشور همواره فضای استقلال خواهی، آزادی طلبی و پابندی به ارزش‌های جمهوری اسلامی باشد. اگر آزادی نباشد و استقلال نباشد، جمهوری اسلامی نمی‌تواند وجود داشته باشد. ما باید به آزادی‌های مصرح فرمایشی نشود. در قانون اساسی احترام بگذاریم و در چنین شرایطی است که شاهد رشد و شکوفایی هنر هفتم و سینمای دفاع مقدس خواهیم بود. در هر حال من ناامید نیستم و با تلاش و کوشش می‌توان بنای باشکوه از سینمای دفاع مقدس را ساخت اگر به آیین مهربانی آمیخته‌شود.

## سردار بقایی

در عملیات بیت‌المقدس توانست

نیروهای تحت امر خود را

با مشارکت هوانیروز، از

شمال فکه به منطقه جنوب

عملیات، انتقال دهد و در جایگاه

فرمانده قرارگاه فجر، در شکستن

محاصره دفاعی خرمشهر نقش

مهمی ایفا کند

پوشش و فریب تاکتیکی اجرای تک کرد و با فریب دشمن توانست فرصت مناسبی برای نیروهای تحت امر قرارگاه فجر ایجاد نماید تا بتوانند اهداف مورد نیاز در عملیات بیت‌المقدس را تأمین کنند. سردار غلامپور در بخش دیگری در خاطرات خود در همین ارتباط می‌گوید: «در بیت‌المقدس که ما در خط دفاعی مان ضعف داشتیم او به قرارگاه فجر فراخوانده شد، در آنجا ارتفاعات ۱۸۲ بود، قرار شد آنها کاری کنند تا فشار از پایین کم شود. به‌هر حال عملیات ۱۸۲ انجام شد و حدود ۸۰۰ نفر اسیر گرفتیم و یک مقدار خط تثبیت شد. بقایی با دو تیپ به‌منظور کمک به ما برای ورود به مرحله چهارم عملیات پابین آمد، یعنی مرحله‌ای که توانستیم خرمشهر را از محاصره آزاد کنیم. به این ترتیب قرارگاه فجر فعال شد.تا آن زمان، او فرمانده قرارگاه فجر بود.» سردار بقایی در عملیات بیت‌المقدس توانست نیروهای تحت امر خود را با مشارکت هوانیروز، از شمال فکه به منطقه جنوب عملیات، انتقال دهد و در جایگاه فرمانده قرارگاه فجر، در شکستن محاصره دفاعی خرمشهر نقش مهمی ایفا کند. شهید بقایی تا پایان عملیات رمضان فرماندهی قرارگاه فجر را بر عهده داشت و پس از آن به معاونت فرماندهی قرارگاه کرایا منصوب شد و پس از عملیات محرم، فعالیت در سپاه را به‌عنوان فرمانده قوای یکم کرایا ادامه داد. در این مقطع شهید بقایی که در کار شناسایی نوغ خاصی داشت کنار سردار رام آفر جبهه‌های جنوب شهید حسن باقری قرار گرفت چرا که اطلاعات عملیات از اهمیت بسیاری



شهید عبدالمجید بقایی از راست دوم نفر نشسته در جمع فرماندهان

بود، از طرف فرماندهی کل سپاه به‌عنوان فرمانده «قرارگاه لشکر فجر» برگزیده شد. پیش از عملیات تأمین لایتمه یا شکست حصر آبادان شهید بقایی عمده فعالیت خود را در شناسایی و آماده کردن زمین، شامل؛ کندن کانال و درست کردن استحکامات صرف کرد و موفق به عملی کردن ایده‌های خلاقانه خود شد. در آستانه عملیات بیت‌المقدس نیز برای فریب دشمن عملیاتی انجام گرفت که فرماندهی آن را شهید بقایی در کنار سرهنگ ازگی می‌فرماندهان ارتش برعهده داشت. شهید بقایی در این مقطع ضمن فعال نگه داشتن یگان‌های شناسایی در منطقه فکه و چانه روی ارتفاع ۱۸۲ به‌عنوان طرح

مشارکت داشت. شهید بقایی با شناسایی میدانی از وضعیت ارتش متجاوز عراق در مناطق و محورها به حفره‌های پدافندی آنان پی برده و از آنها در طراحی عملیات استفاده سوسنگرد، آبادان، اهواز و شوش که شهید بقایی یکی از پنج فرمانده این محورها بود. در نتیجه موفقیت درخشان شهید بقایی در عملیات محور شوش، وی در سطح یکی از فرماندهان اصلی جنگ در کنار سردارانی همچون، داوود گرمی، حسن باقری، رحیم صفوی و غلامعلی رشید به ستاد عملیات جنوب راه یافت و با آغاز عملیات آفندی نیروهای خودی در زمستان ۱۳۵۹ در کنار سایر فرماندهان ارتش سپاه در طراحی عملیات‌ها

به یاد مجاهدت های سردار شهید عبدالمجید بقایی

## سردار گمنام

حسن عبد‌الله‌زاده

به شوش رفت و فرمانده سپاه آنجا شد.»
ضرورت حضور در میدان عمل شهید بقایی را به مقابله روبروی با دشمن کشید و در آبان ماه ۱۳۵۹ کمتر از دوماه از شروع جنگ او در اولین مأموریت خود پس از سروسامان دادن به نیروهای شهر شوش، با جمعی محدود کم تجربه اما با انگیزه و شجاع مانع پیشروی ارتش دشمن به سمت جاده شوش گردید و ظرفیت‌های خود را برای کارهای بزرگ‌تر نشان داد.

این عملیات که امام مهدی (عج) نام گرفت پس از یک دوره رکود در جبهه‌ها انجام شد که چند ویژگی داشت. اول اینکه عملیات بود نه شبیخون، یعنی وسعت کار بیشتر از تک ایذایی بود. شاید بتوان گفت این عملیات به‌همراه عملیات همزمان دیگری در سوسنگرد اولین عملیات‌های موفق پس از ورود عراق به خاک کشورمان بودند. ویژگی دوم آن این بود که برعکس شبیخون‌های قبلی در روز انجام شد و این برخلاف تصورعراقی‌ها بود چون آنها فکر می‌کردند نیروهای ما نمی‌توانند روز حمله کنند و در روشنایی روز کاری از دستشان برنمی‌آید حال آنکه رزمندگان ما در این عملیات با استفاده از شیارهای منطقه ضربه‌هایی کاری به دشمن زده و موفق شدند. ۶۰۰ عراقی راهم به اسارت در آوردند. سوم اینکه با این عملیات امید و انگیزه زیادی در نیروهای خودی ایجاد شد و روحیه و توان مقابله با دشمن در آنان افزایش یافت و نگاه‌ها به آینده جنگ باامیدواری نسبت به غلبه بردشمن همراه شد. این روحیه که در اثر موفقیت در عملیات امام مهدی (عج) به فرماندهی شهید بقایی،

شهید عبدالمجید بقایی ستاره‌ای بود که از شرق استان خوزستان (بهبهان) طلوع کرد و در غرب این سرزمین، غروب خوین اش با شهادت رقم خورد.او که از هوش سرشاری برخوردار بود ابتدا در رشته مهندسی شیمی دانشگاه اهواز قبول شد. ولی به دلیل عدم علاقه بار دیگر در کنکور شرکت کرده و در رشته فیزیکوثرایی (ناده‌های جندی‌شاپور) اهواز پذیرفته شد. وی از همان ابتدای تحصیل به فعالیت‌های تشکیلاتی علیه رژیم پهلوی روی آورد و اواسط دهه ۱۳۵۰، با اعضای گروه چریکی منصورون در ارتباط قرار گرفت و در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ از عناص هادیات‌کننده تظاهرات مردمی علیه رژیم پهلوی بود. در پیروزی انقلاب اسلامی بقایی به مقابله با غائله خلق عرب شتافت و به ایفای نقش مهمی پرداخت.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان، بقایی ابتدا از سوی سپاه پاسداران به نمایندگی این نهاد در اتاق جنگ منصوب و مسئول هماهنگی نیروهای سپاه و ارتش شد. سردار احمد غلامپور در خاطرات خود در ارتباط با شهید بقایی می‌گوید: «جنگ که شروع شد فداقیتی عده‌ای را از بهبهان آورد که مجید بقایی جزء آنها بود. او دانشجوی رشته پزشکی و خیلی فهیمه بود. همان روزهای اول شمخانی، بقایی را به اتاق جنگ که در لشکر ۹۲ تشکیل شده بود فرستاد. بعد که اتاق جنگ به قرارگاه مقدم جنوب رفت، مجید آزاد شد و مدت کوتاهی در دفتر هماهنگی با اسماعیل فداقیتی بود و بعد